

ویژگیهای خلیج فارس

دکتر محمدحسن نامی^۱

چکیده

جهانی است. این منطقه از دید کشورهای ساحلی، مانند جمهوری اسلامی ایران، عراق، کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات و عمان دارای الویت راهبردی است.

وجود روند بی‌ثباتی در این پهنه آبی نشان میدهد که کشورهای این حوزه برغم وجود عوامل متعدد همگرایی، همواره در جهت واگرایی حرکت کرده‌اند و در نتیجه این منطقه مهم، به بخش بی‌ثبات در خاورمیانه تبدیل شده است. این پژوهش بدنبال برخی از ویژگیهای خاص خلیج فارس، بویژه در ابعاد هندسی ریاضی، بمنظور شناخت بیشتر و لحاظ کردن آن در طرحهای استراتژیک، با هدف تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران است.

ضرورت و اهمیت موضوع

با وجود آنکه از شناخت دریاها و آبهای مهم و تأثیرگذار زمان زیادی میگذرد؛ ولی برخی موارد و ویژگیهای خلیج فارس، برغم تغییراتی که طبیعت در آن ایجاد میکند، هنوز ناشناخته و به بررسی زیادی نیاز دارد.

به منظور شناخت عوامل مهم لازم است، ضمن رعایت مقررات بین‌المللی، آن دسته از موارد حقوقی، مالکیتی و حاکمیتی را مجدداً مرور و از آنها بعنوان مانعی در مقابل ورود بیگانگان به این پهنه آبی استفاده کرد.

خلیج فارس^۱ بعد از خلیج مکزیک و خلیج هورسن، سومین خلیج بزرگ جهان است. سالها پیش از آنکه نفت این راه آبی را بعنوان منطقه مهم در جهان معرفی کند، موقعیت استراتژیک خلیج فارس آن را به یک راه مواصلاتی بسیار مهم، برای رقبای تجاری تبدیل کرده بود و منافع امپراتوریهای مختلف، وابسته به این پهنه آبی ارزشمند بود. از اینرو خلیج فارس، مرکز توجهات سیاسی و صحنه تاخت‌وتازهای دریایی بشمار می‌آمد. وقایع پنج‌دهه گذشته نشان میدهد که نه تنها خلیج فارس زمینه‌ساز وقایع مهم اقتصادی جهان است؛ بلکه امنیت جهانی هم به این بستر آبی بی‌نظیر، بعنوان یک دریای نیمه‌بسته وابسته است. در این مقاله سعی شده ویژگیهای خلیج فارس که در اتخاذ استراتژیهای نظامی و اقتصادی بسیار قابل توجه است، مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژگان

خلیج فارس؛ موقعیت ژئوپولیتیکی؛ موقعیت ژئواستراتژیکی؛ رقابت ژئواکونومیکی؛ مرز دریایی؛ عبور ترانزیتی

مقدمه

طرح مسئله

خلیج فارس از منظر کلی، دارای موقعیت استراتژیکی

۱. دکترای جغرافیای سیاسی و عضو هیئت امنای بنیاد ایرانشناسی

جدول شماره ۱: مرز دریایی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه در خلیج فارس

ردیف	نام کشور	طول مرز (کیلومتر)
۱	عربستان	۲۵۳
۲	عراق	۲۴
۳	کویت	۱۴۴
۴	بحرین	۲۷
۵	قطر	۲۶۸
۶	امارات (خلیج فارس)	۲۸۴
۷	عمان (تنگه هرمز)	۲۲۷
	مجموع	۱۲۲۷

طول سواحل خلیج فارس از دهانه فاو تا شمال تنگه هرمز با احتساب شکستگی، ۱۵۳۶ کیلومتر و بدون احتساب شکستگی ۱۳۵۸ کیلومتر است. عرض خلیج فارس در تنگه هرمز از جنوب جزیره لارک تا رأس المسندان نیز ۵۲ کیلومتر است. عمق متوسط آب در خلیج فارس چهل تا پنجاه متر و حداکثر عمق فقط در یک منطقه در جنوب غربی جزیره تنب بزرگ ۱۹۳ متر است.

از مجموع جزایر خلیج فارس، هجده جزیره متعلق به جمهوری اسلامی ایران بوده و حاکمیت دولت جمهوری اسلامی ایران بر قلمرو دریایی آنها اعمال میشود. هر جزیره دارای یک دریای سرزمینی مخصوص بخود است.

بر اساس کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲ م)، عرض دریایی سرزمینی دوازده مایل دریایی است. همچنین طبق ماده ۳ از فصل ۱ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲/۰۲/۱۲ آبهای واقع بین جزایر که حد فاصل آنها کمتر از دوبرابر عرض دریایی سرزمینی (کمتر از ۲۴ مایل دریایی) باشد، جزء آبهای داخلی محسوب شده و از نظر حقوق بین الملل، حاکمیت در آبهای داخلی بطور کامل در اختیار دولت ساحلی است. حقوقی که در کنوانسیون در مورد سایر دولتها برای عبور بی ضرر کشتیرانی وجود دارد در خصوص این آبها اعمال نمیشود.

پیشینه تحقیق

مروری به سوابق بررسیهای انجام شده در زمینه ویژگیها و ابعاد، نشان میدهد که برخلاف وجود تحقیقات مدرن امروزی، ماهوارهها و تصاویر، تاکنون آثار مناسب و مهمی که بتوان به آن استناد کرد، وجود ندارد؛ اگرچه تحقیقات کتابخانه‌یی زیادی در مورد آن صورت گرفته است.

پرسش تحقیق

عوامل، ویژگیها و ابعاد خلیج فارس، مانند محدوده‌های دریایی، آبهای داخلی، سرزمینی، منطقه نظارت انحصاری اقتصادی، عمق، توپوگرافی بستر و چگونگی استقرار جزایر و سواحل پیرامونی، میتواند در راستای بهره‌برداری بیشتر از منافع جمهوری اسلامی ایران، مناسب و بستر ساز باشد.

فرضیه تحقیق

بنظر میرسد شناخت ابعاد هندسی و ریاضی این بستر مهم و استراتژیک، بستر ساز منافع قابل توجه جمهوری اسلامی ایران است.

روش تحقیق

این مقاله به لحاظ شیوه تحقیق، تحقیق میدانی بشمار می‌آید. در این شیوه از روش توصیفی، تحلیلی و کتابخانه‌یی و در نهایت از اطلاعات موجود نیز استفاده میشود.

چارچوب نظری تحقیق

جمهوری اسلامی ایران بعد از چین و روسیه، بیشترین تعداد همسایگان را دارد و با پانزده کشور همسایه است. ایران از مجموع ۸۵۷۴ کیلومتر مرز مشترک، در ۳۹۶۵ کیلومتر مرز خشکی، در ۲۰۴۵ کیلومتر مرز رودخانه‌یی و در ۲۵۶۴ کیلومتر مرز دریایی با همسایگان خود، مرز مشترک دارد. از میزان ۲۵۶۴ کیلومتر مرز دریایی، ۱۲۲۷ کیلومتر آن، مرز دریایی در خلیج فارس است.

در جدول شماره ۱ طول مرز دریایی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه در خلیج فارس بدین شرح مشخص شده است:

زمینه و سابقه

قدیمی‌ترین قومی که مطالعه زمین را بطور جدی آغاز کردند، بابلیها بودند و آنان در آثاری که از ۲۵۰۰ سال پیش برجا نهاده‌اند، زمین را صفحه مسطحی فرض کردند، محاط در رودخانه آب شور (خلیج فارس) که آشوریان آن را «نارموتو» مینامیدند. دلیل چنین تصویری، محدودیت اطلاعات جغرافیایی آنان بود که جهان را عبارت از سرزمینهای واقع در اطراف بابل و مابین رود نیل و شط دجله میدانستند و از دریاها فقط خلیج فارس را میشناختند که در مجاورت آن سرزمین واقع بود.

نقشه‌بی از سلسله سوم بابلیها (اور) در دست است که نشان‌دهنده میزان معلومات آن قوم از شکل جهان است و در آن، هفت جزیره، بصورت مثلث (پره‌های ستاره) در ورای دریای شور نشان داده شده است.

پس از بابلیها علمای جغرافیایونیس یونان قدیم که آثار آنان در واقع مبنای پیدایش آثار بزرگ علمی در شرق و غرب عالم محسوب میشود، جهان را عبارت از خشکی مستطیل‌شکلی مرکب از سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا فرض میکردند.

ابوریحان محمدبن احمد البیرونی الخوارزمی در کتاب *پرارزش التفهیم لوائیل صناعه التنجیم*، ضمن شرح تقسیماتی که تا آن زمان در مورد زمین متداول بود، درباره تقسیمات یونانیان مینویسد:

و یونانیان را قسمتی است سه‌گانه بخلاف و آن چنانست که بر زمین (مصر)^۱ او را دو پاره کردند و آنچه سوی مشرق بود به اطلاق ایسیاء^۲ نام کردند. و آنچه سوی مغرب بود، دریای شام به دو پاره کرده، یکی بسوی جنوب نامش لوبیه^۳ و اندر او سیاهان و گندم گوناگونند و دیگر سوی شمال نامش اروبی^۴ و اندر او سپیدان و سرخاندند.

۱. کلمه مصر را مصحح کتاب، استاد جلال‌الدین همایی، به استناد دو نسخه دیگر بر متن کتاب افزوده‌اند.
 ۲. منظور آسیاست.
 ۳. لوبیه همان لیبی است که قاره آفریقا را میگفتند.
 ۴. اروبی همان اروپاست.

فواصل بین شش جزیره تنب کوچک، تنب بزرگ، بوموسی، فارور، فاروگان و سیری کمتر از دو برابر عرض دریایی سرزمینی (۲۴ مایل) است؛ بنابراین آبهای واقع در حدفاصل این جزایر جزء آبهای داخلی محسوب شده و عبور شناورهای بیگانه از این محدوده نقص آشکار حاکمیت ملی کشور است.

مساحت خلیج فارس ۲۳۸۶۰۰ کیلومترمربع و ۵۵ درصد آن متعلق به جمهوری اسلامی ایران است. بیشتر از دویست جزیره بزرگ و کوچک در خلیج فارس قرار دارد که هجده جزیره آن متعلق به جمهوری اسلامی ایران است. این جزایر در مجموع مساحتی در حدود ۱۸۹۶/۵ کیلومتر مربع را بخود اختصاص داده‌اند. برای آگاهی بیشتر، اسامی این هجده جزیره به تفکیک مساحت هر کدام، در جدول شماره ۲ آورده شده است:

جدول شماره ۲: جزایر ایرانی خلیج فارس و مساحت آنها

ردیف	نام جزیره	مساحت به کیلومتر مربع
۱	قشم	۱۴۷۷,۱
۲	هرمز	۴۲,۰
۳	هنگام	۳۱,۵
۴	لاوان	۷۶,۸
۵	کیش	۸۸,۲
۶	هندورابی	۲۲,۰
۷	بوموسی	۱۱,۹
۸	سیری	۱۶,۵
۹	تنب بزرگ	۱۰,۵
۱۰	تنب کوچک	۱,۳
۱۱	فارورگان	۰,۷
۱۲	لارک	۵۰,۰
۱۳	فارسی	۰,۳
۱۴	فارور	۲۸,۰
۱۵	شیت وار	۱,۰
۱۶	عباسک	۱۴,۸
۱۷	خارک	۲۰,۷
۱۸	خارکو	۳,۲
مجموع مساحت		۱۸۹۶/۵

زیگنیو برژینسکی مشاور جیمی کارتر در امور امنیتی، خلیج فارس را مانند «زه مرتعش کمانی» تعریف کرده که این زه تا انتها کشیده شده و آماده پرتاب تیری کشنده بسوی جهان است. زه این کمان از شاخ آفریقا تا افغانستان و از ایران تا خاور نزدیک را دربرمیگیرد و تنها واکنش موجود آن نسبت به فشار «شرق - غرب» بر این مناطق نیست؛ بلکه کانونهای پیرامون آن نیز، ممکن است هر لحظه جهان را مشتعل نمایند (دلایز و گریزبک، ۱۳۶۶: ۳).

عوامل مؤثر بر اهمیت استراتژیکی خلیج فارس

موقعیت جغرافیایی: خلیج فارس محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی است. از نظر استراتژیک هم، در خاورمیانه، مهمترین مرکز ارتباطی میان سه قاره بشمار می آید و بخشی از یک سیستم ارتباطی را که دریای مدیترانه، سرخ، اقیانوس هند، کبیر و اطلس را به هم می پیوندد، تشکیل میدهد. به همین دلیل، این موقعیت از روزگاران پیشین مورد توجه قدرتهای جهانی بوده است. تجار و بازرگانان، کالاها را از شرق و جنوب آسیا به خلیج فارس حمل کرده و از آنجا به سواحل مدیترانه و اروپا و برعکس میبردند. نیازمندیهای متقابل ساکنان شبه جزیره جنوب غربی آسیا و ساکنان شرق و شمال آفریقا و همچنین جنوب آسیا باعث شده است که خلیج فارس، همواره کانون همگرایی بازرگانی و تجارت باشد؛ چنانکه امروز نیز خلیج فارس، کانون تهیه و پخش کالاها و نیازمندیها و نیز مرکز گردآوری و توزیع فرآوردههای صادراتی ساکنان جنوب غرب آسیا، برای همدیگر و نیز برای سایر نقاط جهان است (حسینی تبار، ۱۳۸۲: ۲۰).

موقعیت جغرافیایی، خلیج فارس را به قلب جهان کهن میکشاند؛ به جایی که راههای عمده بازرگانی دنیای قدیم میبایستی از آن عبور کنند. همین عامل اهمیت زیادی را از دیرباز متوجه این منطقه ساخته است (همانجا).

فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی حاکم بر منطقه: منطقه خلیج فارس کانون ظهور و پخش دین مبین اسلام بوده و از این منطقه، اندیشه اسلامی به غرب و شرق منتشر شده است. خلیج فارس در قلب جهان اسلام قرار دارد و فاصله

چهار دریایی که یونانیان از دریای بزرگ کناری منشعب میدانستند، عبارت بودند از:

- دریای متوسط یا خلیج روم (مدیترانه امروز)؛
- دریای خزر؛
- دریای سرخ امروزی؛
- خلیج فارس.

چنین تقسیمبندی جغرافیایی را که مدتها اساس کار علمی دانشمندان جهان بود، در آثار بسیاری از دانشمندان بزرگ یونانی قبل از میلاد میتوان جستجو کرد. از آن جمله در آثار طالس که حدود سالهای ۶۴۶ - ۵۴۰ ق.م، آناکسی ماندر که در سالهای ۶۱۲ - ۵۴۶ ق.م زندگی میکرد.

جایگاه و نقش استراتژیک خاورمیانه را باتوجه به گفتههای بوردیس فون لوهازن، ژنرال بازنشسته ارتش اتریش، بهتر میتوان درک کرد. او اعتقاد دارد که خاورمیانه مرکز دنیای قدیم است. مرکزی که در دل آن، منطقه خلیج فارس قرار دارد و به منزله «مرکز مرکز» شناخته میشود.

بنظر میرسد، همین شرایط ویژه ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیک سبب شده که کشورهای غربی، بویژه آمریکا نگاهی ویژه به خاورمیانه داشته باشند و به فکر تعدیل و انجام اصلاحات و حل دشواریها بیفتند؛ چرا که دولتمردان آمریکا بر این باور که امنیت آنها از سوی تروریسم و بنیادگرایی اسلامی بخطر می افتد، تأکید دارند.

موقعیت ژئوپولیتیکی و استراتژیکی خلیج فارس

در میان مناطقی که در بخش معروف به خاورمیانه، بعنوان مناطق ژئوپولیتیک جداگانه و متمایز از دیگران وجود دارد، منطقه خلیج فارس، مدل منحصربفردی را از یک منطقه ژئوپولیتیک ارائه میدهد. این منطقه ملتیهایی را شامل میشود که از نظر فرهنگی متفاوتند؛ ولی از نظر مشغلههای سیاسی، استراتژیک و اقتصادی هماهنگی و تجانس دارند. این منطقه شامل کشورهای ایران، عراق، عربستان سعودی، عمان، کویت، امارات متحده عربی، قطر و بحرین است (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۳۳۴).

ثمره و بهره آن مساعی برخوردار گردد و هیچ دولت معظم دیگری را به شرکت قبول نخواهد نمود. نایبستی هیچ پیشنهاد مذاکره در این زمینه را بپذیرد؛ زیرا نه تنها منافع بریتانیا؛ بلکه وظیفه آن دولت نسبت به امپراتوری انگلیس ایجاب می نماید که تسلط بر خلیج فارس و سواحل و کشور مجاور آن را منحصراً حق خود بدانند...

هدف روسیه از هجوم به سمت جنوب نیز دسترسی به خلیج فارس و اقیانوس هند از طریق احداث خطوط راه آهن استراتژیک، یکی از باکو به بوشهر در کنار خلیج فارس از طریق ایران که در کنار آن به بغداد و بصره نیز متصل میشد؛ دیگری از عشق آباد در آسیای مرکزی به گلوگاه استراتژیک خلیج فارس در بندرعباس بود (برژینسکی، ۱۳۷۸: ۳۵) که نشان از اهمیت ژئواستراتژیکی ایران و خلیج فارس بوده است.

بعد از حمله ارتش آلمان به خاک روسیه شوروی، هدفهای اصلی استراتژیکی انگلستان این بود که از شکست ارتش سرخ در برابر قوای آلمان جلوگیری بعمل آورده و یا حداقل آن را به تعویق اندازد؛ در عین حال، یک طرح دفاعی برای مقابله با ارتش آلمان، برای زمانی که این ارتش احتمالاً به مرز ایران برسد، آماده کند.

در راه اجرای این دو هدف نظامی، ایران میبایست نقش حساس و اصلی را بازی کند (الهی، ۱۳۶۰: ۱۰۶). بنابراین نیازهای سوق الجیشی که از طریق آنها تحت کنترل درآوردن و اشغال ایران را ضروری میساخت، عبارت بودند از: اول، حمایت از میدانهای نفتی عراق و ایران؛ دوم، تضمین امنیت خطوط ارتباطی در حمایت از خلیج فارس در صورت ورود ارتش آلمان به قفقاز؛ سوم، ایجاد راهی برای کمک به روسیه از سمت جنوب (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۸۱-۸۲).

بدلیل اهمیت خلیج فارس بر کارایی اقتصادی اروپای غربی و خاور دور و نیز بدلیل اهمیت و آسیب پذیری در برابر شوروی، فوری ترین و مشکلترین اولویت ژئوپولیتیک ایالات متحده نفوذ سیاسی در این منطقه بوده است (برژینسکی، ۱۳۷۸: ۲۰۵).

آن با کرانه های شرقی و غربی دنیای اسلام، تقریباً برابر است. با ظهور انقلاب اسلامی در ایران و احیای جنبشهای اسلامی و آزادیخواه، اهمیت خلیج فارس در معادلات سیاست جهانی و استراتژیهای قدرتهای بزرگ چند برابر شد (مجتهدزاده، ۱۳۴۹: ۱۰).

حضور قدرتهای جهانی در منطقه و رقابت آنها: عامل دیگری که شخصیت هماهنگ و متمایز سیاسی این منطقه ژئوپولیتیک را از اواخر قرن پانزدهم میلادی، نیرو بخشید، اهمیت استراتژیک آن میان قدرتهای رقیب بوده است. پرتغالیها، هلندیها، فرانسویها و روسها هر یک چیرگی بر این منطقه را برای سیاستهای استعماری خود در خاورزمین ضروری یافتند. با شکست فرانسویها در جنگهای ناپلئون، انگلیسیها، روسها، عثمانیها و ایرانیان، همزمان یا یکی پس از دیگری، رقبای اصلی در این منطقه شدند. محیط سیاسی که هر یک از این قدرتها در منطقه آفریدند، بویژه محیطی که انگلیسیها نزدیک به یک قرن و نیم در منطقه فراهم آوردند، همراه با زندگی اقتصادی که گرد صید و بازرگانی مروارید دور میزد و بعدها جای خود را به زندگی اقتصادی متکی به تولید و بازرگانی نفت داد، همه بصورت پدیدههایی از یک محیط متمایز درآمدند و آن محیط را، جدا از محیطهای اطراف، شخصیتی ویژه و متمایز از دیگران دادند؛ محیطی که با اطمینان میتوان آن را «منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس» نام نهاد (همو، ۱۳۷۹: ۳۳۴).

اهمیت خلیج فارس از مدتهای مدید مورد توجه قدرتها بوده و این مسئله کموبیش در آثار تحلیلگران وابسته به قدرتها نمایان است. سرهنگ آرنولد ویلسون مینویسد: «هیچ دریای دیگری نیست که بیش از خلیج فارس، توجه علمای معرفه الارض و متخصصان و مورخان و جغرافیایانویسان و سیاستمداران و جنگجویان را مشترکاً بخود معطوف ساخته باشد» (همو، ۱۳۴۹: ۱۰).

در تأیید اهمیت منطقه خلیج فارس، مطلبی از آدمیرال ماهان نقل شده است. وی مینویسد: به اتکای مساعی متوالی که چندین نسل انگلیس برای استقرار امنیت در خلیج فارس بکار برده، تنها انگلستان حق دارد از

تقریباً دو سوم ذخایر اثبات شده نفت و یک سوم ذخایر گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای حوزه خلیج فارس قرار دارد. اگر ذخایر برآورد شده دریای خزر نیز به این ارقام اضافه شود، درصد نسبی این ذخایر شاید به هفتاد درصد برای نفت و بیش از چهل درصد برای گاز طبیعی برسد. به این دلیل، بیضی انرژی خلیج فارس - دریای خزر، یکی از مهمترین واقعیتهای ژئواستراتژیک دوران ماست (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۸۷).

تقاضای مستمر برای نفت خلیج فارس به فراوانی آن و به رشد اقتصاد جهانی بستگی دارد. اگر رشد مداوم اقتصادی در آمریکای شمالی، اروپا و آسیا در دهه آینده استمرار یابد، جهان با افزایش سریع تقاضا برای انرژی روبرو خواهد شد. افزایش تقاضای آسیا به نفت خاورمیانه، احتمالاً تنها و مهمترین تحولی است که آثار ژئوپولیتیکی و اقتصادی عمده‌بی نیز بدنبال خواهد داشت. در صورتی که کشورهای اتحاد شوروی سابق و اروپای شرقی بتوانند در مدیریت و نظم‌بخشی به اقتصاد خود موفق شوند، تقاضای انرژی حتی سریعتر از پیش افزایش خواهد یافت. این احتمال وجود دارد که رویدادهای غیرمترقبه، همچون فجایع اقتصادی جهانی یا جنگهای عمده، این تقاضا را کاهش دهد؛ اما با استثنا کردن چنین سناریوهایی، نیازمندیهای انرژی بطور حتم افزایش خواهد یافت (همان: ۱۸۸). هم‌اکنون و برغم مخاطرات آشکار جنگ در خلیج فارس، تقاضا برای انرژی آن رو به افزایش است. این افزایش تقاضا را بطور ساده این‌گونه میتوان بیان کرد:

ذخایر نفت و گاز طبیعی خلیج فارس بسیار فراوان است؛ با قیمتهای نسبتاً ارزان استخراج میشود و در کنار مسیرهای کارآمد و توسعه یافته حمل و نقل قرار دارد. این واقعیت تأثیر نیرومندی بر سرنوشت سیاسی دموکراسیهای عمده‌بی، همچون ایالات متحده بر جای خواهد گذاشت. بدین ترتیب، خلیج فارس همچنان نگرانی نظامی مهم آمریکا خواهد بود؛ حتی مدتها پس از اینکه حضور آمریکا در خاک اروپا و آسیا، جایی که دیگر نقاط بازدارندگی منطقه‌بی در آن قرار دارند، کاهش یابد (همان: ۱۹۰). بنابراین ما همچنان شاهد بحران در این منطقه خواهیم بود و در آینده بسیار نزدیک،

در حال حاضر نیز این منطقه شاهد حضور قدرتهای برتر جهانی از جمله ایالات متحده آمریکا، کشورهای اروپایی، چین، روسیه، ژاپن و سایر کشورهاست و حتی بحرانهای ایجاد شده در منطقه از جمله، حمله به عراق نیز بدنبال دستیابی به منابع انرژی بوده است و این به نقش و اهمیت انرژی در جهان کنونی و آینده اقتصاد جهانی برمیگردد.

بازار مصرف: در منطقه خلیج فارس جمعیتی بیش از یکصد میلیون نفر زندگی میکنند که با توجه به تمرکز منابع نفتی در آن، بازار مصرف خوبی برای کشورهای صنعتی محسوب میشود؛ بنابراین شاهد رقابت کشورهای غربی و صنعتی بر سر تصرف این بازار، بویژه در زمینه صادرات سلاح بوده و هستیم.

منابع نفت و گاز منطقه خلیج فارس: مهمترین ارتباط این منطقه، با مناطق عمده صنعتی (مصرف کنندگان عمده نفت) است و والاترین توجه آن به تأمین امنیت برای بازرگانی نفت که مایه زندگی منطقه است، منحصر میشود. قدرتهای ماورای منطقه‌بی که نه در بافت محیط ژئوپولیتیک منطقه می‌کنند و نه طرفهای عمده بازرگانی نفت و گاز منطقه هستند، نمیتوانند شرکای پدیده‌های محیطی این منطقه ژئوپولیتیک باشند (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۳۳۴ - ۳۳۵).

هزینه تولید نفت در کشورهای خلیج فارس در مقایسه با ایالات متحده و اروپا، بویژه حوزه‌های آلاسکا و دریای شمال، بسیار پایین است. متوسط هزینه تولید نفت در حوزه‌های نفتی کشورهای خلیج فارس در دهه هشتاد از یک دلار برای هر بشکه تجاوز نمی‌کرد. این رقم در بخش اعظم حوزه‌ها فقط به سی تا شصت سنت برای هر بشکه میرسید؛ اما در ایالات متحده، هزینه تولید هر بشکه نفت از پنج تا ده دلار در ایالت‌های جنوبی و پانزده دلار در آلاسکا در نوسان است (السماک، ۱۳۷۲: ۲۴)؛ اما منابع نفتی خاورمیانه و خلیج فارس آنقدر متنوع و متفاوت گزارش شده که بسیار مشکل است که بتوان آمار یکسان و همانندی حتی در دو گزارش و مقاله پیدا کرد. شاید ادعای اغراق آمیزی نباشد که به تعداد محققان و مقالات نوشته شده در زمینه مسائل انرژی و نفتی، آمار و ارقام از میزان ذخایر، تولید، مصرف و... وجود دارد (غنیمی فرد، ۱۳۸۳: ۷).

دارد؛ زیرا ایران تنها کشوری است که امکانات ویژه‌یی برای انتقال انرژی از آسیای مرکزی به دریای عمان و خلیج فارس دارد (رحیم‌پور، ۱۳۸۱: ۵۷). شاید بتوان گفت که ایران به تنهایی ارزشی ژئوپولیتیکی برابر با کلیه کشورهای خلیج فارس دارد و این امر یک واقعیت ژئواستراتژیک قلمداد شده است (عزتی، ۱۳۷۱: ۱۱۶).

امنیت خلیج فارس: رهاشدن منطقه خلیج فارس در یک خلاء امنیتی در مقطع حساس کنونی، شرایط را برای اقدامات ماجراجویانه و تروریستی و نهایتاً حضور قدرتهای خارجی و دست‌اندازی به ثروتهای عظیم آن فراهم آورده است. از اینرو طی چهار دهه گذشته، طرحهای مختلف امنیتی طراحی شده از سوی قدرتهای برون منطقه‌یی، نتوانسته است به استقرار ثبات و امنیت در منطقه و جریان آزاد نفت و تأمین مبادلات تجاری و اقتصادی یاری رساند. نتیجه آن که امروز منطقه دستخوش دگرگونیهای فراوان شده است و انعقاد قراردادهای مختلف دفاعی میان برخی کشورهای این حوزه با قدرتهای خارج از منطقه و تبدیل آن به بازار رقابت تنگاتنگ فروش تسلیحات نیز ناشی از همین وضعیت و نگرانیهای حاصل از آن است. امنیت در خلیج فارس از یکسو به روابط متقابل این کشورها بستگی دارد و از سوی دیگر به روابط این کشورها با دیگر بازیگران بین‌المللی، بویژه کشورهایی که قدرت صنعتی و فن‌آوری آنها به انرژی این منطقه وابسته است. پیش‌زمینه هرگونه ترتیبات امنیتی در خلیج فارس در گام نخست کشف تمامی ظرفیتهای انسانی، اقتصادی و فنی منطقه و در گام دوم به کارگیری این ظرفیتهای با استفاده از روشهای علمی و در گام سوم، سوق دادن آنها در جهت گسترش همکاری دسته‌جمعی با هدف نیل به توسعه همه‌جانبه، متوازن و پایدار است.

تنها پس از جنگ جهانی دوم و استقلال پی در پی شیخ‌نشینها و دول حاشیه خلیج فارس، موضوع تأمین امنیت توسط دول حاشیه آن مطرح شد. این موضوع تا پیش از فراخوانی نیروهای انگلیسی از منطقه و استقلال امارات متحده عربی و بحرین، همچنان فاقد موضوعیت بود. همچنین طرح این موضوع (طرح امنیت) بعد از این بود که خلیج فارس موضوع

راهی برای خروج از بحران خلیج فارس وجود ندارد. نفت خلیج فارس، همچنان یک کالای ضروری و حیاتی برای رشد صنعتی غرب و بطور فزاینده‌یی برای رشد صنعتی آسیا و بخش اعظم جهان در حال توسعه خواهد بود (همان: ۲۱۲). این وابستگی به نفت خلیج فارس، متضمن مخاطرات ژئوپولیتیکی و بحرانهای زیادی برای منطقه است.

جغرافیای انرژی خلیج فارس: از دیدگاه جغرافیایی، در مورد نفت و گاز طبیعی خلیج فارس، دو موضوع دارای اهمیت برجسته‌یی است:

موقعیت مکانی میدانهای نفت و گاز و سیستم توزیع مربوط به آن از جمله سیستم جمع‌آوری، دستگاه‌های تفکیک نفت و گاز، تانکرهای ذخیره‌سازی، پالایشگاه‌ها، تأسیسات حمل و نقل در بندرها و خطوط لوله.

جغرافیای انرژی خلیج فارس دارای جنبه‌های بسیار بااهمیتی است؛ بطوری که میدانهای مهم نفت و گاز کشورهای منطقه، در سواحل خلیج فارس واقع شده‌اند (همان: ۲۰۴) و این بر حساسیت موضوع می‌افزاید.

حوزه خلیج فارس، بعنوان یک واحد ژئواستراتژیک

اکنون منطقه خاورمیانه یک منطقه ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک است و در تحولات آتی نیز نقش محوری خود را، بعنوان کانون توجهات استراتژیک و هارتلند مناطق استراتژیک جهان، حفظ خواهد کرد. از سوی دیگر روند کنونی تحولات نظام بین‌المللی بیانگر این است که کشوری نقش قدرت برتر جهانی را در سده بیست و یکم بازی خواهد کرد که بتواند بر منابع و خطوط انتقال انرژی جهان، بویژه نفت و گاز تسلط داشته باشد. این حوزه ژئواستراتژیک جدید، سه منطقه جغرافیایی را در بر دارد که عبارتند از:

۱. جنوب غرب آسیا با محوریت حوزه خلیج فارس بویژه ایران؛
۲. جنوب آسیا با محوریت هندوستان؛
۳. جنوب شرق و شرق آسیا با محوریت ژاپن.

در این مثلث استراتژیک جدید، ایران نقش حیاتی

میلیارد دلار برای استخراج این منابع انرژی هزینه کرده‌اند. ایران با داشتن بیش از یکصد میلیارد بشکه ذخایر نفتی، جزء چهار کشور اول جهان است و با هشتصد تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز طبیعی اثبات شده، پس از روسیه مقام دوم را در اختیار دارد. در منطقه خاورمیانه، سهم ایران از ذخایر اثبات شده گاز طبیعی ۵۸ درصد است. ایران با یک درصد جمعیت جهان، پانزده درصد ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد. امنیت همه‌جانبه جهان در سده بیست‌ویکم به این مثلث ژئواستراتژیک بستگی دارد که ایران در مرکز آن قرار گرفته و ایالات متحده، کنترل این منطقه را محور استراتژیک در سیاستهای خود قرار داده است (رحیم‌پور، ۱۳۸۱: ۵۸ - ۵۹).

با تغییر شاخصها در انتخاب قلمروهای ژئواستراتژیک پس از پایان جنگ سرد و اولویت یافتن مسائل اقتصادی بر مسائل نظامی، انطباقی بین قلمروهای ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک پدید آمد و در مباحث ژئواکونومیک، موضوع ژئوپولیتیک نفت و امنیت استراتژیک منابع انرژی، بعنوان مهمترین عامل تعیین‌کننده در تعیین استراتژیهای جهانی مطرح شد. بر همین اساس در آغاز سده بیست‌ویکم، دو عامل عمده «منابع و ارتباطات» نقش اصلی را در شکل‌گیری مناطق ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک بازی میکند. نگاهی به نقشه منابع انرژی نشان میدهد که ایران در منطقه‌ای که تکیه‌گاه قلمروهای ژئواستراتژیک نامیده میشود، نقش کلیدی و محوری دارد. هیچ‌کس نمیتواند منکر اثر منفی بی‌ثباتی کشورهای نفت‌خیز بر اتکای جهان به نفت حمل شده از راه‌های استراتژیک دریایی، یا اتکای فزاینده آسیا به نفت خاورمیانه شود (همان: ۵۸).

نام خلیج فارس در متون قدیمی و زبانهای مختلف

یکی از مشکلاتی که در سالهای اخیر تا حدی ذهن جامعه ایران را بخود مشغول کرده، مسئله نام خلیج فارس بوده است. در نیم‌نگاهی، بوضوح مشخص میشود که اهمیت خاص استراتژیکی و ژئوپولیتیکی این منطقه، نقش جدی در این تحولات داشته است، اگرچه در قرون سابق، این منطقه، تنها دارای اهمیتی تجاری بود؛ ولی در حال حاضر اهمیت نفت

مناقشه طرفهای درگیر در جنگ سرد واقع شد و رخدادهای بعدی هم بوقوع پیوست.

قرن بیست‌ویکم در حالی آغاز شد که آمریکا از طریق حضور فزاینده خود، بدنال ایجاد امنیت و ثبات در منطقه خلیج فارس بود. در واقع از نظر آمریکا، عملکرد و ساختار نیروهایش بیانگر این واقعیت است که ایجاد یک سیستم امنیتی، بدون حضور عمده این کشور امکان‌پذیر نیست (رائمل، کاراسیک و گومپرت، ۱۳۸۳). نکته مهم اینکه مشکل استراتژیک و دشوار واشنگتن که پیش از یازده سپتامبر، نیز کاملاً مشهود بود، بصورت واضح و شفاف باید توضیح داده شود. آمریکا بدلیل تأثیر دو موضوع نفت و اشاعه سلاحهای هسته‌یی بر منافع خود، بدنال ایجاد و گسترش سیستم امنیتی متمایل به غرب و باثبات در خلیج فارس است. در زمینه میزان دقیق وابستگی آمریکا به نفت خلیج فارس در درازمدت، بحثها و نظرهای بسیار زیادی وجود دارد؛ اما واقعیت آن است که این کشور به یک اقتصاد سالم و متمرکز جهانی، وابستگی حیاتی دارد (همانجا). بنابراین شاهد حضور هرچه بیشتر آمریکا در این منطقه استراتژیک و احساس وظیفه در تأمین امنیت آن، همانطور که منافعش حکم میکند، بوده و خواهیم بود.

انطباق حوزه‌های ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک و جایگاه

منطقه و ایران: در دوران پیدایش حوزه‌های ژئواستراتژیک جدید، قدرت نظامی آخرین ابزار برای تحمیل اراده محسوب میشود و امروزه در مقوله امنیت، دیگر صرفاً جنبه نظامی مطرح نیست؛ بلکه جنبه‌های دیگری از جمله سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز وجود دارد. بنابراین شناخت امکانات ژئواستراتژیک مناطق، بعنوان یک زیربنای واقعی و غیرقابل تغییر میتواند راهگشای ما در درک مفاهیم امنیتی باشد. در بیضی استراتژیک جدید انرژی، ایران نقش حیاتی دارد؛ زیرا تنها کشوری است که از امکانات ویژه‌یی برای انتقال انرژی از آسیای مرکزی به دریای عمان و خلیج فارس برخوردار است. ایران نقش بسیار مهم و محوری در ژئوپولیتیک دریای خزر و خلیج فارس دارد. دریای خزر بیش از دو‌یست میلیارد بشکه نفت و ۲۷۹ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی را در خود جای داده است و شرکتهای نفتی تاکنون بیش از چهار

جمله «daraya tya hacha parsa aity» «درایه تیه هچاپارسا آئی تی» نوشته شده که خود نشان‌دهنده نام کامل این خلیج است نیز از قرن دوم میلاد به بعد نام «Persikon - Kai Tas» «پرسیکون کای تاس» در تاریخ و سفرنامه‌های جنگی اسکندر به تکرار آورده شده است.

یونانیان که در واقع پدر علم جغرافی جهان و از مؤسسان این علم بودند، در کتابهای خود از این دریا به نام «SINVS PERSICVS» یا همان «خلیج فارس» یاد کرده‌اند که از مهمترین آنان میتوان به نوشته‌های استرابن و بطلمیوس اشاره کرد. استرابن محل سکونت اعراب را منطقه‌ی بین خلیج عرب (دریای احمر) و خلیج فارس ذکر کرده و بطلمیوس نیز دریای جنوب سرزمین ایران را «SINUS PERSICUS» یا «خلیج فارس» خوانده است.

رومیان نیز این دریا را «Aquarum Persico»؛ بمعنی، «دریای پارس» و یا «آبگیر پارس» خوانده و به مرور زمان اصطلاح «سینوس پرسیکوس» نیز به زبانهای دیگر دنیا ترجمه شده‌اند. این نامها در *دائرةالمعارفهای مختلف* و به زبانهای گوناگون به نام خلیج فارس آورده شده‌اند که در اینجا به آنها اشاره میشود:

- Golfo Persico
- Golfio Parsico
- Perrisch Golf
- Golfeul Persic
- Persiste Habbugt
- Golfeul Persic
- Persisk Golf
- Persiska Vikem
- Perski Zaliv
- Perzsa obol
- Persishi Zaliv
- Perucha Wan
- Golfe Persque
- Parsits Tsots
- Persian Gulf

و دیپلماسی بین‌المللی ابرقدرتها، نیز بر این موضوع افزوده شده است.

درباره خلیج فارس مطالب زیادی گفته و نوشته شده است. آنچه که مسلم است، جغرافیدانان و نقشه‌کشها (کارتوگرافان) برای نامگذاری سرزمینها، کوهها و دریاها اصول و قواعدی را رعایت میکنند تا نقشه دقیقتر و با اصالت‌تری از لحاظ اطلاعات ارائه کنند. آنها نام طوایف و نژادهای هر منطقه را که به سرزمینی اطلاق شده، همان نام را به آنها و دریاهای پیرامون آن سرزمین نیز بسط میدهند، مانند اقیانوس هند، دریای چین، خلیج مکزیک، دریای عمان و... .

پارسیان باستان که ساکنان سرزمینهای شمالی این دریا بودند از راه دریایی که سراسر جنوب ایران را فراگرفته بود، بواسطه تجارت و جنگ قبل از سایر اقوام آسیا با ملل مغرب‌زمین ارتباط پیدا کردند. بر همین اساس و به اعتبار پارسیان مقیم این سواحل، یونانیان برای اولین بار دریای جنوب ایران را «خلیج فارس» نامیدند. بدین ترتیب، تعصبات ملی یا نژادی و عنصر ایرانی یا عربی در آن دخالتی نداشت و این، بیان واقعیتی بود که از زبان متخصصان فن و دانشمندان آن زمان عنوان شد. این موضوع در تمام ادوار گذشته نیز پذیرفته شده و تا زمان حال نیز ادامه دارد. نگاهی به گذشته، حقیقت این امر را کاملاً روشن میکند.

قدیمی‌ترین کتبی که در علم جغرافیا برای جهانیان به یادگار مانده است، نوشته‌های یونانی قرن پنجم قبل از میلاد است. بدیهی است که کتب قبل از قرن پنجم میلادی؛ یعنی زمان آغاز تمدن و فرهنگ یونانی از بین رفته است؛ ولی از آنجایی که در کتب دو قرن قبل از میلاد نام خلیج فارس آورده شده، واضح است که مورخان و جغرافیدانان از اجداد خود نام خلیج فارس را فرا گرفته و بکار بسته‌اند. در این نوشته‌ها یونانیان قدیم کلمه پارس را «پرس» تلفظ کرده و به همین دلیل در تسمیه این خلیج نیز کلمه «پرس»، «Pers» را بکار برده‌اند.

صرف نظر از آنچه که دانشمندان در کتیبه‌ی از داریوش، پادشاه هخامنشی، در هنگام حفر کانال سوئز یافته‌اند و در آن

حبیب‌العروس و ریحان‌النفوس، تاریخ‌الرسول و الملوك، تاریخ‌بلعمی، الکامل ابن‌اثیر و نیز آثاری از ابن‌خردادبه، ابن‌فقیه‌همدانی، اصطخری، مقدسی، ابن‌حوقل، مسعودی و یاقوت حموی اشاره کرد.

در مورد استعمال نام خلیج فارس جالب توجه آن است که محققان و نویسندگان عرب بیش از هر قوم و نژاد دیگری در نوشته‌های خود از خلیج فارس، بعنوان «البحرالفارسی» یا «الخلیج‌الفارسی» یاد کرده‌اند و حتی بعضی از جغرافیدانان و جهانگردان مسلمان، مفهوم «البحرالفارسی» را بسیار وسیعتر گرفته و به تمام دریای جنوب ایران اعم از دریای عمان و خلیج فارس اطلاق کرده‌اند.

در المسالك و الممالک، قدیمی‌ترین کتاب جغرافیا به زبان عربی، دریای جنوب ایران، «بحر فارس» نوشته شده و ابن‌الفقیه در کتاب البلدان که در سال ۲۷۹ هـ. ق تالیف شده، «بحر فارس» را ذکر کرده است.

ابوعلی احمد بن عمر بن رسته در کتاب الاعلاق‌النفیسه، در باب سرزمینهای حجاز، یمن و دیگر بلاد عرب سخن گفته و محل جغرافیایی آنها را بین خلیج احمر و خلیج فارس مشخص ساخته است.

بزرگ بن شه‌ریار راه‌مزمی، ناخدای معروف ایرانی، در کتاب عجایب‌الهند بره، بحر و جزایره که در سال ۳۴۲ هـ. ق تالیف شده از «بحر فارس» بسیار نام برده است.

اصطخری در کتاب مسالك الممالک (۳۴۶ هـ. ق) که بر اساس کتاب صور‌الاقالیم ابوزید بلخی تنظیم شده است، دریای پارس را دریای بین «بحر قلزم» و «مولتان» در ساحل هند معرفی کرده است.

ابوحسن علی بن‌الحسین بن علی مسعودی در کتاب مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر خلیج فارس را خلیجی مثلثی شکل دانسته که از دریای هند منشعب شده و در کتاب دیگر سرحد عراق را جزیره‌یی در دریای پارس ذکر کرده است.

- Persischer Golf

- Persidsku Zaliv

ترجمه عمده آنها در زبانهای مختلف بدین شرح است:

در زبان انگلیسی، «پرشین گلف»؛

در زبان چینی، «بوشی وان»؛

در زبان روسی، «پرسید سکی ذالیو»؛

در زبانهای اسپانیایی، پرتغالی و ایتالیایی «گلفو پرسیکو»؛

در زبان ژاپنی، «پروشاون»؛

در زبان فرانسه، «گلف پرسیک»؛

در زبان آلمانی، «پرسیشتر گولف»؛

در زبان لاتین، «پرسیکن کیناسن»؛

در زبان یونانی، «پرسیکوس سینوس» «اکواریوم پرسیکوس»

«سینوس پرسیکوس»؛

در زبان ترکی، «کورفی».

وجه تسمیه خلیج فارس در زبان و متون عربی

عربها در دوران پیش از میلاد مسیح، بیشتر در نواحی حجاز، یمن و کرانه‌های دریای سرخ سکونت داشته و با خلیج فارس آشنایی چندانی نداشته‌اند. آشنایی اعراب با دریای پارس، در زمان اردشیر ساسانی آغاز شد. لشگرکشی اردشیر ساسانی به یمن، به منظور سرکوب حبشیان، انگیزه رفت‌وآمدهای اعراب آن نواحی به کرانه‌های خلیج فارس بود.

با طلوع اسلام و گسترش آن به سرزمین و فلات ایران، بر کوچ اعراب به کرانه‌های خلیج فارس افزوده شد و در آغاز دوران اسلامی، دانشمندان دینی عرب، آبهای جنوب خلیج فارس را «بحر فارس» مینامیدند. آنان با این تصور که این دریا به نام صحابی بزرگ رسول خدا، سلمان فارسی است و پیامبر اعظم این نامگذاری را به پاس خدماتی که وی انجام داده، بر این دریا نهاده است، در نگرهبانی آن کوشش میکردند.

از اوایل اسلام تا یورش مغول در بیش از سی کتاب تاریخی، جغرافیایی، تفسیر، اخلاق و فقه دانشمندان مسلمان، نام و شرح خلیج فارس وجود دارد. از جمله آنها میتوان به کتابهای البلدان یعقوبی، المغازی، فتوح‌الشام، فتح‌العجم،

دوره درازی از تاریخ مخلوط گشته است... و اختلاف ما با آنان درباره عربیت خلیج فارس] بیش از اختلاف ما درباره عربیت ابن المقنن، ابن نواس، ابن قتیبه و ابن سینا، خوارزمی، اصفهانی، طبری، همدانی، رازی، موصلی، بلخی، بیرونی، غزالی و... که همه از شاخه ایران پدید آمدند و در محیط اسلامی رشد و نمو یافته‌اند، نیست.

نذیر فنصه سردبیر سابق مجله *الاخاء* نیز در مقاله‌یی در تأیید نظرات قلجی مینویسد:

امروز اعراب از لحاظ تسمیه خلیج فارس در وضعی قرار گرفته‌اند که نویسندگان و مورخان منصف از ترس اینکه در تلاطم احساسات لبریز شده، متهم به دست‌نشاندهی و ارتجاع نشوند، نمی‌توانند اظهار نظری کنند... شما را نیز بخدا بگویند که نام خلیج فارس] از چه تاریخی در کنار لفظ «عربی» قرار گرفت، این بدعت از ده سال قبل و از زبان یک سیاستمدار معروف و در راه یک هدف غایب معین... آغاز گشت.

مدارک و شواهد حقوقی خلیج فارس

صرف نظر از سوابق تاریخی خلیج فارس، قراین و آمارات حقوقی غیرقابل انکاری نیز وجود دارد که اصالت نام خلیج فارس در آنها تأیید شده است. در اینجا به پاره‌یی از آنها اشاره میکنیم:

اولین قرارداد عمومی و مهمی که شیوخ و اعراب سواحل جنوب خلیج فارس در آن شرکت کرده و رسماً تعهداتی برعهده گرفتند، قرارداد عمومی سال ۱۸۲۰ م است.

این قرارداد که به امضای ژنرال رابرت تایلور انگلیسی و یازده نفر از رؤسای قبایل عرب ساکن سواحل جنوبی خلیج فارس رسیده، با عنوان *Tribes of dated the 8 th janury 1880* thr Persian Gulf general Treaty Witch the Arab تنظیم شده است. در متن این قرارداد، هرگاه اشاره‌یی به دریای جنوب ایران و در دریای جنوب شده از آن به نام «Persian Gulf» ذکر شده است.

ابن المطهر المقدسی الطاهرین المطهر در کتاب خود به نام *البدوالتاریخ* که آن را در سال ۳۵۵ هـ ق نگاشته، درباره رودهایی که به «خلیج فارس» میریزد، صحبت کرده است.

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی نیز «خلیج پارس و دریای پارس» را عنوان کرده و در کتاب *القانون السمعودی* مینویسد: «آبادان دهانه خشاب در مصب دجله است و گسترش آن در دریای پارس است».

در قدیمی‌ترین کتاب جغرافی به نام *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، هم دریای جنوب ایران «خلیج فارس» نامیده شده و بشاری در کتاب *الحسن الاقالیم فی معرفه الاقالیم* آن را «بحر فارسی» خوانده است.

ابن بلخی نیز در کتاب خود به نام *فارسانامه* این دریا را «خلیج فارس» معرفی کرده است.

جرجی زیدان لبنانی نیز در تألیف خود با عنوان *التمدن الاسلامی و محمد فرید وجدی در دایرة المعارف اسلامی قرن بیستم*، عبارت دیگری جز «خلیج فارس» را ذکر نکرده‌اند و این نام در کتاب *الدلیل العراقی* در سالنامه رسمی سال ۱۹۳۶ م دولت عراق بسیار بچشم میخورد.

طه هاشمی رئیس سابق ستاد ارتش عراق در کتاب خود بنام *جغرافی العراق*، خلیج فارس را به نام واقعی آن ذکر کرده است.

مورخان و نویسندگان عرب در دهه‌های اخیر نیز در تأیید مطالبی که در نشریات عربی به چاپ رسیده، نام «خلیج فارس» را بکار برده‌اند.

از جمله آنان، نویسنده متفکر و برجسته عرب قلجی است که در مقاله خود با عنوان ملاقات صلح در مهد اسلام این چنین مینویسد:

ایران دولتی است، دوست و ملتی است، برادر. تاریخ آن با تاریخ عرب درهم آمیخته و فرهنگ آن با فرهنگ ما برای

سند استقلال کویت

از تاریخ هشتم ژانویه ۱۸۸۰ م. به بعد در تمام قراردادهایی که اعراب یک طرف آن بوده‌اند، هرگاه نامی از خلیج فارس به میان آمده، با عنوان «الخلیج الفارس» یا «Persian Gulf» بوده است. یکی از این اسناد حقوقی، نامه‌های متبادل بین امیر کویت و نماینده انگلستان در خلیج فارس است.

این یادداشتهای که در واقع سند استقلال کویت است، بطور صریح از خلیج فارس نام برده و متون عربی و انگلیسی آنها چنین آغاز شده است:

تمدن عربی:

«حضرت صاحب الفخامه المقیم السیاسی لصاحبه اجلاله فی الخلیج الفارس المحترم بعد السلام و التحیه...
امضاء عبدالله السالم الصباح
فی محرم ۱۳۸۱ الموافق ۱۹ جون ۱۹۶۱

متن انگلیسی:

“His Excellency Her Britanic Majesty’s Political Resident in the persian gulf“

این قرارداد که حاکمیت کویت در گرو آن است، طبق ماده ۱۰۲ منشور سازمان ملل متحد، به ثبت رسیده و در آرگانهای سازمان ملل متحد از جمله دادگاه بین‌المللی دادگستری لاهه قابل استناد است.

اهمیت قراردادهایی که نتیجه منطقی آنها اعطای استقلال به کشورهای جدید است، در حقوق بین‌المللی قابل کتمان نیست و بعضی از حقوق دانان برای قراردادهای استقلال که در سالهای اخیر منعقد شده و در سازمان ملل به ثبت رسیده است، اهمیت خاصی قائل میشوند؛ بطوری که آنها را همپایه قراردادهای موجد حقوق بین‌المللی بحساب می‌آورند.

اعراب ساکن سواحل جنوبی خلیج فارس و کشورهای عربی منطقه که قراردادهای مذکور را در نامه فوق امضاء کرده و از حقوق ناشی از آن استفاده کرده‌اند، بطور مسلم موظف

هستند که تکالیف ناشی از قرارداد را نیز بپذیرند؛ بعبارت دیگر همانطور که اصل غیرقابل تجزیه بودن قرارداد در حقوق داخلی پذیرفته شده است، در حقوق بین‌المللی نیز مقبولیت قابل توجهی دارد. بنابراین وقتی امیر کویت سند استقلال کویت را در سال ۱۹۶۱ م. امضاء کرد، نام خلیج فارس را که در آن قرارداد بکار برده شده نیز امضاء و تسجیل کرده است. با توجه به این مطلب که تاریخ مبادله یادداشتهای استقلال کویت مؤخر بر زمانی است که نام معمول «خلیج عربی» عنوان شده اهمیت این سند بیشتر نمایان میشود. در مجموع باید گفت قرارداد استقلال کویت از جمله اسنادی است که در قوت و اعتبار آن نمیتوان تردید کرد و به مثال آفتاب آمد دلیل آفتاب، سند دیگری است در اثبات اصالت واژه خلیج فارس.

کنفرانس همسان سازی نامهای جغرافیایی

یکی از مواردی که در روابط بین‌المللی موجب بروز سوء تفاهات مرزی و قومی و نژادی میشود، مسئله سکونتگاهها و مناطق تحت سلطه سیاسی یا فرهنگی ملل گوناگون است که همیشه از راه نامهای جغرافیایی هویت پیدا میکند.

نامهای جغرافیایی، بدلیل متفاوت بودن تلفظ گفتاری و راه و رسم نوشتاری، دچار تغییرات تدریجی میشوند. این تغییرات گاهی بدلیل وقوع حوادث تاریخی، مانند مهاجرت‌های اقوام و ملل از سرزمینی به سرزمین دیگر اتفاق می‌افتد و گاهی هم در جریان جنگها و پیروزیها و انقلابها دچار تغییرات سریع و یا بعبارتی غیرتدریجی میشوند. پس از جنگ جهانی دوم بدلیل تغییرات اساسی در شکل سیاسی کشورهای جهان، این نوع اختلافات تشدید شد؛ تا جایی که ملل مختلف، نامهای مختلف را به یک محل واحد و یا یک عارضه طبیعی نسبت میدادند.

در سال ۱۹۶۰ م. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به دبیر خود، مأموریت داد که درباره از میان بردن این گونه اختلافات، راهحلی را جستجو کند. دبیر مذکور یک هیئت از کارشناسان بین‌المللی، شامل جغرافیدانان، مورخان، زبان‌شناسان و کارتوگرافان را دعوت و به آنها مأموریت داد که

ترسیم کرده‌ام و نام «خلیج فارس» را در جای خودش آورده‌ام. بنظر من مسئولان نقشه‌نگاری کشورهای عربی و ایران باید نشستی داشته باشند و در مورد این نام با یکدیگر به نتیجه‌یی مورد رضایت دو طرف دست یابند. اعراب هیچ نیازی ندارند که نام تاریخی «خلیج فارس» را به «خلیج عربی» تبدیل کنند و باعث کدورت همسایگان غیرعرب در منطقه شوند. این عمل تفرقه‌افکنی میان مسلمانان است. اگر کسانی با نام «فارس» مشکل دارند، می‌توانند نام تاریخی معادل دیگر آنجا را که «بحرالعجم» بوده است، بکار برند. اینکه برخی نویسندگان عرب در ترجمه و یا تجدید چاپ کتب قدیمی نام بحر فارسی و خلیج فارس را تحریف غیرمنطقی میکنند از نظر من مردود است. سازمان ملل نام «خلیج فارس» را به رسمیت می‌شناسد و من همیشه مخالف طرح ابهام در این خصوص در سازمان ملل بوده‌ام.

نتیجه‌گیری

وقایع پنج دهه گذشته نشان می‌دهد که خلیج فارس نه تنها بستر ساز وقایع بسیار مهم در اقتصاد جهان بوده و هست؛ بلکه امنیت جهانی هم به این بستر مهم آبی بی‌نظیر جهان، بعنوان یک دریای نیمه‌بسته وابسته است.

با تحول گفتمان سنتی ژئواستراتژیک نه گفتمان نوین (بر اساس تئوری قدرت مرکز پیرامون)، انطباق ژئواستراتژیک ژئواکونومیک، کماکان در دهه آینده هم خلیج فارس بستر چالش‌های نظامی خواهد بود. بنابراین شناخت ویژگی‌های خلیج فارس و ابعاد هندسی ریاضی، مانند آب‌های داخلی در محدوده خط عبور ترانزیت شناورهای سنگین از جمله ناوهای هواپیمابر و... است. بر اساس حقوق بین‌الملل دریایی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۲/۲/۱۲، مجلس شورای اسلامی، می‌توان از ورود آنها ممانعت کرد.

مسائل مختلف مربوط به نام‌های جغرافیایی را در سطوح ملی و بین‌المللی بررسی کرده و نظر مشورتی خود را برای گزارش به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل آماده سازند.

بررسیها و مطالعات این هیئت چند سالی بطول انجامید و در نتیجه منجر به تشکیل اولین جلسه سازمان ملل متحد، برای «همسان‌سازی نام‌های جغرافیایی» «UNCSGN» شد که از ۲۲-۴ دسامبر ۱۹۶۷م در ژنو برگزار شد. در جلسه آغازین این کنفرانس که ۵۴ کشور عضو سازمان ملل متحد در آن شرکت داشتند، به منظور از بین بردن تشتت نام‌های جغرافیایی، مطالعاتی انجام شد.

بدین ترتیب وقتی سازمان ملل متحد کنفرانسی برای ایجاد وحدت در نام‌های جغرافیایی در جهان تشکیل می‌دهد که خود معرف احتیاج و زبان حال اجتماع بین‌المللی است، جای بسی تعجب است که دول عربی سازمان ملل که در عین حال در کنفرانس مزبور شرکت کرده‌اند، در صدد ایجاد دوگانگی در نام‌های مسلم تاریخی برآیند و این اقدام بدون تردید خلاف اصول سنت و اجتماع بین‌المللی است.

از نکات جالب توجه در این کنفرانسها، آن است که اعراب تصویب قطعنامه‌یی را در این کنفرانس (ژنو: ۱۹۶۷م) خواستار شدند که به موجب آن می‌بایستی رژیم صهیونیستی به سبب تلاشی که در جهت تعویض نام «خلیج عقبه» بعمل آورده بود، تقبیح شود. آیا این اقدام دول عربی مصداقی بر ضرب‌المثل یک بام و دو هوا نیست؟

از نکات جالب توجه دیگر آنکه، پروفیسور عبدالهادی تازی، عضو آکادمی علوم پادشاهی مغرب و رئیس گروه نام‌های جغرافی کشورهای عربی، در همایش یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی سازمان ملل در گفتگو با خبرگزاری ایرنا اظهار داشت:

من هیچ منبع تاریخی را ندیده‌ام که آبراه جنوب ایران را «خلیج عربی» نامیده باشد. اعراب قبل و پس از اسلام همیشه این آبراه را «بحر فارس»، «بحرالعجم» و یا «خلیج فارس» نامیده‌اند. خود من نقشه سفرهای ابن‌بطوطه را در کتابم

منابع
کتاب

- السماک، محمد؛ نفت و سیاست در استراتژی جهان عرب، ترجمه مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران: مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۷۲.
- الهی، همایون؛ امپریالیسم و انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات مولی، ۱۳۶۰.
- برژینسکی، زبگنیو؛ چگونگی اداره رقابت آمریکا و شوروی، ترجمه مهرداد رضائیان، تهران: مرکز انتشارات و چاپ وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸.
- دلاژ، الیویه؛ گریزیک، ژرار؛ توفان خلیج: خلیج‌بازی شش خاندان، ترجمه اسدالله مبشری و محسن مؤیدی، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۶.

پایان‌نامه

- حسینی‌تبار، محمدعلی؛ ژئوپولیتیک شیعه در منطقه خلیج فارس با تأکید بر کشورهای بحرین، عراق، عربستان و کویت، استاد راهنما: محمد رضا حافظ نیا، تهران، ۱۳۸۲.
اسناد و مدارک
- اسناد و مدارک موجود در مدیریت اطلاعات جغرافیایی و سایر مدیریت‌های سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- اسناد و مدارک وزارت امور خارجه در مورد وجه تسمیه خلیج فارس (اداره نهم سیاسی قبل از انقلاب اسلامی).
- فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور؛ تهران: سازمان جغرافیایی، ۱۳۸۴.

منابع لاتین

- Adiplomats hand book of I.L. and Paractice.B. sen.
- Antique maps 1983.
- Encarta Reference Library 2005.
- Encyclopedice de I Islam.Vol. I.
- Histoire d' Alexandre Le Grand par Quinte Curce Ttraduction en Francis , Paris 1834 Tome II.
- In ternational Law. Lordwc Nair. Volume One.
- miscellaneous In formation Coonected With the Persian Captin Robert Taylor 1818.

- عزتی، عزت‌الله؛ ژئوپولیتیک، تهران: سمت، ۱۳۷۱.
- کمپ، جفری؛ هارکوی، رابرت؛ جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه مهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
- مجتهد زاده، پیروز؛ شیخ‌نشینهای خلیج فارس، تهران: عطایی، ۱۳۴۹.
- _____؛ خلیج فارس، کشورها و مرزها، تهران: عطایی، ۱۳۷۹.

مقاله

منابع اینترنتی
- www.mapfroum.com / 102 / Ptolemy
- www.swaen.com
- www.rarenmaps.com
- لازم به ذکر است که کلیه منابع لاتین از اطلاعات موجود در وزارت امور خارجه و مرکز اسناد (آرشیو فنی) سازمان جغرافیایی گردآوری شده است.

- راثمل، اندرو؛ کاراسیک، تئودور؛ گومپرت، دیوید؛ «سیستم امنیتی جدید خلیج فارس»، ماهنامه نگاه، شماره ۳۷، ۱۳۸۳.
- رحیم‌پور، علی؛ «تحولات ژئواستراتژیک در سده بیست و یکم و جایگاه منطقه ایران»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، دوره هفدهم، شماره سوم-چهارم، آذر و دی ۱۳۸۱.
- غنیمی فرد، حجت‌الله؛ «نباید نگران دیدگاه‌های متفاوت قیمت بنزین باشیم»، سیاست روز، ۲۹ مهر ۱۳۸۳، ص ۷.